

صلح جهانی در سایه صلح ادیان

• شهرام تقی‌زاده انصاری

- صلح جهانی با توجه به صلح ادیان میسر است *
- هانس کونگ، کارل یوزف کوشل
- انتشارات پی‌پر، ۲۰۰۱

معرفی کتاب:

کتاب به زبان آلمانی در دو مقدمه و هشت فصل سامان یافته و مدارک و شواهد مستندی دارد و نویسندگان آن همگی از متخصصان درجه یک ادیان جهانی‌اند.

مقدمه ۱:

نویسندگان بر آن بودند تا با در نظر گرفتن جنگ‌های مذهبی کوچک و بزرگی که در قرن اخیر در جهان، به وقوع پیوسته و صدها هزار قربانی داده است، ریشه‌های اختلافات مذهبی را پیدا کنند و در حل آن بکوشند. آنان در جستجوی پاسخ به این سؤالات بودند:

- ۱ - چرا پیروان یک مذهب با یکدیگر به مبارزه برمی‌خیزند؟
 - ۲ - چرا پیروان مذاهب به جای مبارزه با یکدیگر به فکر صلح نیستند؟
 - ۳ - چرا وقتی مسیحیان با غیرمسیحیان اختلاف دارند، رهبران مذهبی آنها ساکت می‌مانند؟
 - ۴ - چرا مسئولان دینی، در جنگ میان مسلمانان و یهودیان ساکت‌اند؟
 - ۵ - چرا مذاهب، قدرت صلح‌طلبی ندارند و در مشکلات آنها دخالت نمی‌کنند؟
 - ۶ - چرا نمایندگان مذاهب برای صلح جهانی با یکدیگر تشریح مساعی نمی‌کنند؟
- نویسندگان، با اینکه نتوانسته‌اند پاسخی برای حل این مشکلات





پیداکنند، سعی کرده‌اند راه‌گشای صلح باشند.

مقالات این کتاب، تکمیل شده مقالات ارائه شده در کنگره بین‌المللی ادیان جهانی و حقوق بشر و صلح جهانی است که در سال ۱۹۸۹ در پاریس به دعوت انستیتو گوته‌آلمان برگزار شده است.

مقدمه ۲:

فدریکو مایور (Federico Mayor) مدیر سازمان یونسکو، در افتتاحیه کنگره به اهمیت پیشنهاد تقریب مذاهب از سوی پروفیسور هانس کونگ (Hans kung)، فیلسوف مسیحی آلمان، اشاره می‌کند و اهمیت حیثیت و کرامت انسانی در حقوق بشر را یادآور می‌شود. وی در پایان سخنانش از همگان تقاضا می‌کند که در این عصر علم و تکنیک در جستجوی اتحاد مذاهب و فرهنگ‌های مختلف باشند یا دست‌کم برای گفتگو درباره صلح جهانی بکوشند. وی اضافه می‌کند که نباید از مذهب برای اهداف شخصی خود سوءاستفاده کرد. به آزادی مذهبی باید ارزش گذاشت و برای در کنار یکدیگر بودن علم و مذهب کوشید.

فصل اول: بدون صلح ادیان، صلح جهانی میسر نیست

نویسنده این مقاله هانس کونگ، رئیس مؤسسه تقریب مذاهب و استاد الهیات دانشگاه گوتینگن است. وی پایه‌گذار اصلی وحدت ادیان و تقریب مذاهب است. پس از آنکه در گردهمایی مسلمانان و مسیحیان در ۱۹۶۷ میلادی در لبنان، از سخن گفتن نمایندگان مسلمان با ایشان ممانعت شد، کونگ به فکر وحدت ادیان و تقریب مذاهب افتاد.

وی در این مقاله به دو جنگ جهانی و نتایج خونین آن اشاره کرده و به معرفی انسان‌هایی که مذهبی بودند و بعد از دو جنگ جهانی به فکر صلح و آرامش افتادند مثل آدانتر، شومن و گاسپری می‌پردازد. سپس نقش اسقف شهر برلین را در حل اختلافات آلمان و کشورهای وابسته و

نیز نقش روحانیان را در مبارزات مارتین لوترکینگ شرح می‌دهد. بالاخره درباره مسئولیت نمایندگان ادیان برای پیشبرد صلح جهانی و محبت به یکدیگر و عدم توسل به زور سخن می‌گوید. بخش‌های مختلف مقاله عبارت است از:

الف) حقیقت ادیان. باید حقیقت را به گونه‌ای تعریف کرد تا همه ادیان در آن سهم داشته باشند.

ب) شرط استراتژی تقریب مذاهب. شرط اصلی، انتقاد به خود در مذاهب است. همه ادیان باید راه انتقاد را آزاد بگذارند و از تجربیات تاریخی پند گرفته و از کج‌روی پرهیز کنند.

ج) معیارهای ویژه حقیقت. اکثر پیروان ادیان به قوانین خود پای بند نبوده‌اند. انتقاد به خود به دو طریق انجام می‌شود: درک انتقاد دیگران و عمل به آن انتقاد. وی ضمناً اشاره می‌کند که در صورت پافشاری بر معیارها از سوی یک دین، گفتگوی بین ادیان بی‌فایده است.

د) جستجوی معیارهای حقیقت. وی پس از اشاره به ده فرمان حضرت موسی، می‌گوید، مذاهب وقتی موفق بوده‌اند که انسان را مرکز بحث خود قرار دادند و برای او کاری کردند.

مذاهب باید در افکار خود تجدیدنظر کنند تا بتوانیم به اشتراکات برسیم. مسیحیت در قرون جدید، وجدان، عقل، انسان و طبیعت را مطرح کرد که در قوانین اساسی کشورها به کار گرفته شد. جایگاه مذهب را باید در حوزه فلسفه و اجتماع روشن کرد و برای مساوات حقوقی بشر کوشید. ادیان در آینده آگاهی پیدا خواهند کرد که حقوق بشر، تساوی حقوق زن و مرد و جز آن از مسائل با اهمیت‌اند.

ه) انسان محور و معیار اصلی. انسان باید معیار قرار گیرد و قوانینی برای کسب عزت و شرف انسانی و زندگی صادقانه وضع

استعمار غرب، تقلید کشورهای اسلامی از دانشگاه‌های غرب و وارد ساختن فلسفه‌های غرب به فرهنگ اسلامی بررسی می‌شود. سپس به افکار روشنفکران اسلامی از قبیل سید جمال‌الدین اسدآبادی، فرهنگ عباس، حبیب برقیه و ناصر می‌پردازد و نشان می‌دهد که حرکت‌های مبارزه با غرب همیشه وجود داشته است و به ویژه از انقلاب اسلامی ایران که یکی از مؤلفه‌های مبارزه با غرب بوده است نام می‌برد.

ج) حکومت‌های ملی اسلامی و حقوق بشر - دولت‌های اسلامی می‌خواستند مذهب را در کنترل خود درآورند، چون می‌بایست به مسائل اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی می‌پرداختند.

د) اصول حقوق بشر و مسئله وحی - نویسنده به سازگاری حقوق بشر در اسلام و غرب می‌پردازد و می‌گوید باید از نظر تاریخی تحقیق شود که چگونه فقه اسلامی می‌تواند پاسخگوی حقوق بشر در غرب باشد. به نوشته وی، در آمریکا حقوق بشر با اصول مذاهب ارتباط دارد ولی در اروپا بیشتر رابطه لائیک و وجود دارد. بالاخره می‌نویسد، در غرب نشانه‌هایی مبنی بر ظهور دوباره مذهب به چشم می‌خورد. پس باید ادیان جهانی به فکر چاره جویی مشکلات بشر باشند.

ه) اختلاف میان تئوری و عمل. برای تضمین عملی حقوق بشر در کشورهای اسلامی، باید دولت‌ها با نظر به اصول عقاید مذهبی، تناقض‌های موجود را رفع کنند و در حفظ کرامت و حیثیت انسانی بکوشند و درباره مسائل مربوط به زنان بیشتر کار کنند.

فصل سوم: گفتگوی ادیان از نظر یهودیت

نویسنده این مقاله، اویگنه بروتیس، بر آن است که گفتگوی پاپ و نمایندگان مذهب یهود بسیار مثبت بوده و می‌تواند در گفتگوی دیگر ادیان جهانی نیز مؤثر باشد. سپس اضافه می‌کند که گفتگوی ادیان به محبت، همکاری و همدردی بین پیروان ادیان کمک می‌کند و به این دلیل با صلح جهانی رابطه مستقیم دارد. سپس از آوارگی یهودیان در جهان سخن می‌گوید. به اعتقاد وی نباید بگذاریم آبرو و حیثیت و شرف انسانی لکه دار شود.

فصل چهارم: معیار انسانیت از دیدگاه کنفوسیوس

شوه‌زین لیو، ضمن موافقت با پیشنهاد هانس کونگ اظهار

شود. باید به مسائلی پرداخت که از نظر مادی و معنوی برای انسان مفید است.

و) حفظ ایمان و تلاش برای صلح. وی در این زمینه، ابتدا درباره رابطه میان صلح دینی و هویت ایمان سخن گفته و معتقد است که بی‌تفاوتی به صلح ادیان کمک نمی‌کند. هیچ مذهبی اجازه انکار حقیقت مذاهب دیگر را ندارد و باید آنها را به رسمیت بشناسد. هر مذهبی باید از عقاید مذاهب دیگر برای تکمیل عقاید خود بهره بگیرد.

ز) ادیان و پست مدرن - نویسنده می‌گوید با وجود پیشرفت‌های بشر در علم و فنون، به مذاهب چندان توجهی نشده است و لائیک‌گرایی و رواج پیدا کرده و مکتب‌هایی مانند ماتریالیسم، علم‌گرایی و سرمایه‌داری به وجود آمده است. ولی مذاهب دوباره توسط مردم کشف خواهند شد و مذهب برخلاف تصور دنیا طلب‌ها، از میان نرفته و دوباره زنده خواهد شد.

ح) پیشنهادهایی برای رسیدن به تقریب مذاهب. به این منظور باید فرهنگ کشورهای دیگر را بشناسیم. سیاستمداران باید به فکر حل مشکلات اقتصادی و ایجاد روابط فرهنگی و مذهبی بین کشورها باشند؛ روحانیان باید در ساختار سازمان‌های خود تجدید نظر کنند؛ گفتگوی بین ادیان باید بیشتر انجام شود.

فصل دوم: منشأ حقوق بشر در اسلام

نویسنده این مقاله محمد آرکون، استاد دانشگاه پاریس، می‌نویسد که غربیان حقوق بشر در اسلام را مسئله‌ای فرعی در نظر می‌گرفتند. شورای اسلامی یونسکو در ۱۹۸۱ حقوق جهانی بشر از نظر اسلام را تصویب کرد که نویسندگان آن نمایندگان مذاهب مختلف اسلامی بودند. سپس درباره سهم پیامبر اسلام در ایجاد حقوق بشر از طریق وحی سخن گفته و نشان می‌دهد که این حقوق از عدالت و کرامت و شرف انسانی دفاع می‌کند و مخالف هر نوع ظلم و ستم و استبداد و استثمار است. بالاخره نویسنده درباره امتیازات حقوق بشر در اسلام نسبت به حقوق بشر در غرب صحبت می‌کند.

الف) دولت‌های ملی و حقوق بشر. نویسنده نخست درباره معنای شهادتین در اسلام و وظایف واجب مسلمانان سخن می‌گوید و سپس به مذاهب شیعه و سنی و حقوق اهل کتاب از نظر اسلام می‌پردازد.

ب) ورود مدرنیسم. ابتدا، غفلت مسلمانان در قرون اخیر، ورود



می‌دارد که از تجربیات مسیحیت بسیار سود برده ایم ولی در مبانی فلسفی با آنها اختلاف نظر داریم. وی سپس دربارهٔ خدا، انسان و طبیعت سخن می‌گوید و مسئلهٔ خیر و شر را روشن می‌سازد. وضع ظلم و ستم و گناه در قرن بیستم از مباحث بعدی است. وی معتقد است که انباشتن ثروت دشمن بزرگ بشریت است و ما باید از حکمت و حقایق ادیان دیگر نیز بیاموزیم. سپس به پیشرفت سریع علم و تکنیک پرداخته و یادآور می‌شود که باید برای عزت و کرامت انسانی ارزش بیشتری قائل شویم. انسان می‌تواند با پرورش متناسب سعادت مند شود. دین کنفوسیوس اجازهٔ مبارزه با کسی را نمی‌دهد و فقط بر اصلاح خود تأکید دارد.

فصل هفتم: دفاع از ارزش‌های مذهبی

کارل یوزف پارتش می‌نویسد، هدف ابتدایی حقوق بشر مبارزه با اشکال مختلف سلطهٔ کلیسا و اجتماع بود ولی بعداً وظیفه‌اش دفاع از آزادی، مساوات و برادری شد. وی سپس می‌گوید آزادی مذهبی از ابزار حقوق بشر شده و مسئله را پیچیده کرده است. بعد رابطهٔ میان آزادی عقیده و آزادی وجدان و رابطه مذهب با جهان بینی بررسی می‌شود. آنگاه نویسنده از مؤمنان مذاهب مختلف سؤال می‌کند که آیا ممکن است روزی ارزش‌های فرهنگی و فلسفی جانشین ارزش‌های مذهبی شود و آیا کرامت و شرف انسانی به طور مطلق معتبر است.

فصل پنجم: حقوق بشر و آزادی مذهبی از دیدگاه دین بودایی

ماژانوآبه می‌نویسد، تحقیق در سهم ادیان در حقوق بشر ضرورت دارد. ولی فلسفهٔ دین بودا با دیگر ادیان اختلاف بنیادین دارد. سپس دربارهٔ شخصیت آدمی، هویت انسان و آموزش مدارا سخن می‌گوید و نشان می‌دهد که در برابر دعوا و نزاع باید سکوت کرد. سپس می‌نویسد که بودا به پرسش‌های متافیزیکی مانند زندگی بعد از مرگ، جاودانی بودن جهان و جزآن جواب واضحی نمی‌دهد. باید جنگ و ستیز را کنار گذاشت تا سعادت مند شویم. نویسنده سپس دربارهٔ اختلاف حقوق بشر غرب و حقوق بشر در بودیسم صحبت می‌کند و راه سعادت بشر را نشان می‌دهد. بالاخره درباره تفاوت عدالت و حکمت در بودیسم با ادیان دیگر سخن می‌گوید.

فصل هشتم: رابطه حقوق بشر و ادیان جهانی و صلح جهانی

کارل یوزف کوشل، استاد الهیات دانشگاه توبینگن، ابتدا دربارهٔ روند پیدایی برگزاری کنگرهٔ گفتگوی ادیان صحبت می‌کند و می‌گوید آیا مسیحیان نمی‌خواستند با برگزاری این کنگره برجستگی فرهنگی خود را اثبات کنند. سپس کلیسای جدید را مورد انتقاد قرار می‌دهد که چطور با اینکه قبلاً منادی حقوق بشر نبود، امروز منادی آن است. سپس دربارهٔ تغییرات فکری مسیحیت بعد از جنگ جهانی سخن می‌گوید که مسیحیت متوجه شد که اگر دیدگاه جهانی نداشته باشد عقب خواهد ماند و ناگزیر است نظریات خود را نسبت به ادیان دیگر تغییر دهد.

وی در پایان درباره اشتراکات ادیان جهانی صحبت می‌کند و می‌گوید انسانیت واقعی شرط مذهب واقعی است و مذهب واقعی، کمال انسانیت است. از نظر وی اشتراکات مذاهب عبارت‌اند از: پذیرفتن انتقاد به خود، تربیت مردم برای انسان شدن، و قبول این مسئله که سنت انسان شدن در همهٔ مذاهب وجود دارد.

فصل ششم: صلح جهانی و وحدت ادیان از دیدگاه مذهب هندو

بیتیکا موکرجی با ذکر مشکلات و مسائل قرن بیستم و پیدایی مکاتب فکری مختلف عقیده دارد که ادیان باید یکدیگر را بفهمند تا بشر زودتر به صلح واقعی برسد. سپس درباره ساختار ادیان شرقی و غربی صحبت می‌کند و مشکل اصلی مذاهب هندو را اختلافات آنها می‌داند و راه حل آن را ایجاد گردهمایی‌های بین‌المللی بین ادیان می‌داند. وی سپس دربارهٔ نقش مذاهب در تاریخ سخن می‌گوید و عقیده دارد که باید سوء استفاده از مذهب برای اهداف سیاسی و شخصی کنار گذاشته شود و از نقش مثبت اخلاقی و حقوقی آن استفاده شود. بالاخره دربارهٔ رابطه اخلاق و مذهب سخن گفته و موضوع‌های مورد مطالعه را برمی‌شمارد: وظایف انسان نسبت به خدا، خانواده، محیط و افراد مسن.

* ■ welt frieden durch Religion frieden

■ Hans kung, karl-Josef kuschel

■ piper, 2001